



اصل مهدویت در ادیان الهی از دیدگاه ملاصدرا و انعکاس آن در خطنگاره‌های ظروف فلزی صفوی

رحیم حبیب‌الهی^۱، میثم امانی^{۲*}، سجاد ساداتی‌زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Rahimm.habib1370@gmail.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. Meysamamani1359@yahoo.com

^۳ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، دزفول، ایران. Sadati.sj@dums.ac.ir

چکیده

اندیشه مهدویت و ظهور منجی عالم بشریت باور سترگی است که ریشه در اعماق تاریخ دارد. این باور نه تنها در اسلام بلکه ریشه در ادیان و مذاهب قبل از اسلام هم دارد و هرکدام به نوعی بر این باور بوده‌اند. حتی مکاتب غیرمذهبی و دینی مثل زرتشت، بودایی، هندو و غیره هم به یک منجی و نجات‌دهنده در آخرالزمان اعتقاد و باور دارند. جریان خروشان این تفکر در بستر ادیان و مذاهب و فرهنگ بشری، انبوهی از آگاهی‌ها- پیشگویی‌ها- آرمان‌ها، افسانه‌ها و تخیلاتی را فراهم آورده است. اما شیعیان، دیو یاس و ناامیدی را از خویش دور رانده و به عاقبت و سرنوشت روشن بشر خوشبین هستند و آینده جهان را پیروز می‌دانند، ولی عقیده دارند که احکام و قوانین بشری برای اصلاح و اداره جهان، کافی نیست. بلکه فقط قوانین و دستورات جامع و متین اسلام را که از منبع وحی و الهام سرچشمه گرفته را برای تامین سعادت بشر صالح می‌دانند. در این پژوهش، مهدویت در اندیشه ملاصدرا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و از حیث مبانی مهدویت، جایگاه مهدویت، اثبات مهدویت از نظر ملاصدرا و معرفت شناسی و ... حضرت را با روش توصیفی و تحلیلی تبیین شده است. از سوی دیگر با شکل‌گیری حکمت شیعه مذهب صفوی، باورهای شیعی به شکلی فراگیر در ابعاد مختلف نظام اجتماعی تبلور یافته است. هنرهای این دوره نیز از این اندیشه و انگاره‌های مذهبی برکنار نمانده است و هنری چون فلزکاری تبدیل به یکی از جلوه‌گاه‌های اندیشه مذهبی در این دوره تاریخی شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اندیشه مهدویت و ظهور منجی در منبع وحی و اندیشه ملاصدرا.

۲. بررسی اندیشه‌های مذهبی در فلزکاری دوره صفویه.

سوالات پژوهش:

۱. مهدویت در منبع وحی و اندیشه ملاصدرا چگونه می‌باشد؟

۲. اندیشه‌های مذهبی چه بازتابی در فلزکاری دوره صفویه دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۲۱۱ الی ۲۲۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

مهدویت،
فلزکاری دوره صفوی،
خطنگاره‌های مذهبی،
ملاصدرا.

ارجاع به این مقاله

حبیب‌الهی، رحیم، امانی، میثم، & ساداتی‌زاده، سجاد. (۱۴۰۳). اصل مهدویت در ادیان الهی از دیدگاه ملاصدرا و انعکاس آن در خط نگاره های ظروف فلزی صفوی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۴)، ۲۱۱-۲۲۴.



[dori.net/dor/20.1001.1
1730708.1401.19.47.408](https://doi.org/10.22034/IAS.1730708.1401.19.47.408)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2023.38.327.2147](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.38.327.2147)

مقدمه

موضوع مهدویت و اعتقاد به قول ضرورت و جوب وجود یک امام در هر زمان، اهمیت تبیین و دفاع از مهدویت را بیشتر می‌کند، زیرا این اعتقاد مشترک بین همه ادیان و مذاهب به منجی عالم، حتی در ادیان غیر الهی مثل زرتشت- بودا و غیره باعث نیاز به امام و هدایتگر معصوم در هر زمان به‌منظور استمرار خط نبوت و امتداد آن از لحاظ حکم موجب می‌شود دایره نبوت بسته نمی‌باشد و ولایت مهدوی در امتداد دایره نبوت قرار گیرد؛ بنابراین در بررسی آرای فلسفی ملاصدرا پیرامون مهدویت که موضوع همین پژوهش است، باید بیش از هر چیز به استدلال‌های ایشان بر ضرورت وجود امام در هر زمان توجه کرد. ملاصدرا ده استدلال بر وجوب وجود امام در هر زمان می‌آورد، به‌عنوان مثال استدلال اول خود را در تفسیر حدیث سوم از باب «الاضطرار الی الحجه» بیان می‌کند. وی همچنین استدلال دوم خود را بر وجوب وجود امام در هر زمان در شرح حدیث اول از باب «ان الارض لاتخلوا من حجه» مطرح می‌کند. بدین ترتیب که نصب امام لطفی از جانب خداوند بر بندگان است؛ چراکه با وجود امام به‌عنوان رئیس قاهر، دوری امت از امور قبیح و نزدیکی‌شان به واجبات بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، فعل لطف بر خداوند واجب است، پس نصب امام بر خدا، واجب است (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱) که این مطلب را در بحث اثبات مهدویت در برهان لطف هم آورده‌ایم. ملاصدرا برای ائمه اطهار کرامات و خرق عادات فراوان قائل است، وی علاوه بر کرامات و خرق عادات حصول مرتبه پایین‌تری از وحی را برای ائمه و اولیا که الهام نام دارد، ممکن می‌داند.

مهدویت مصدر جعلی کلمه مهدی است و در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی علیه‌السلام را می‌گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی‌عشری و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است که اسلام وعده قطعی ظهورش را داده و استمرار ولایت و عدالت در سراسر جهان به دست ایشان مقرر خواهد شد (طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸) عقیده به پیدایی و ظهور نجات‌دهنده غیبی و مصلح جهانی و انتظار فرج عالم بشریت از اعتقادات مسلم مسلمانان، خصوصاً شیعیان است که می‌گویند از اهل‌بیت پیامبر اکرم (ص) خواهد بود و شخص پیغمبر اسلام (ص) این عقیده را بارها در بین مسلمانان رواج داد و نوید پیدایی چنین مصلحی را اعلام کرده بود. این موضوع در اسلام به قدری مسلم است که درباره آن کتاب‌هایی تألیف شده است که تاریخ نگارش بعضی از آنها، سال‌ها پیش از تولد حضرت مهدی (عج) بوده؛ مانند کتاب المشیخه که یک صد سال قبل از غیبت نوشته شده و اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی (عج) در آن آمده است. احادیث و روایات در خصوص امام مهدی را نه تنها شیعیان بلکه اهل سنت نیز در کتب صحاح خود جمع‌آوری کرده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۱۰). در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر منجی عالم بشریت، مهدی موعود دارد که در اینجا ما فقط دو آیه را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. یکی آیه ۱۰۵ سوره‌ی انبیا، که ترجمه آیه این است، «ما بعد از آنکه در تورات نوشته بودیم، در زبور هم نوشتیم که بندگان شایسته‌ی ما، وارث زمین می‌شوند.» (طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۹). دوم: سوره قصص، آیه پنج، که ترجمه آیه این است. «ما اراده کردیم که

بر ضعف‌های زمین منت نهاده و آنان را پیشوا و وارث زمینشان گردانیم». ^۱ اولی متأسفانه عده‌ای از مدعیان دروغین که در طول تاریخ خود را به‌عنوان مهدی موعود معرفی کرده‌اند، که البته این عده کم هم نیستند.

الف) کسانی که دیگران روی انگیزه‌های خاصی، آنان را مهدی موعود خواندند (مانند: محمد حنفیه، زید، محمد بن عبدالله محض)

ب) کسانی که به انگیزه جاه‌طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغین نمودند (مانند: مهدی عباسی)

ج) کسانی که طبق نقشه‌ی استعمار و به اشاره‌ی بیدادگران، به چنین دجال‌گری و فریب دست یازیدن و خود را مهدی موعود معرفی کردند (مانند: علی محمد باب) (قزوینی، ۱۳۷۶: ۵۶۶).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته‌ی تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

۱. مبانی مهدویت در فلسفه ملاصدرا

مبانی مهدویت عبارت‌اند از: انسان کامل - امامت و ولایت - واسطه فیض الهی - برهان اتمام حجت - برهان تجلی اعظم - برهان علت غایی و ...

در اینجا هر کدام از مبانی فوق‌الذکر را به‌طور خلاصه و مجمل توضیح و تحلیل می‌کنیم.

انسان کامل:

در تمام فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و فلسفی ردپایی از انسان کامل وجود دارد. در مکتب فلسفی - عرفانی صدرالمتألهین شیرازی رحمت‌الله علیه مفصل راجع به انسان کامل بحث شده است.

نباید از نظر دور داشت که در شناسایی انسان کامل در هر دوره‌ای از ادوار بر روی مفهومی خاص تکیه شده و هر مکتب و نظام فکری در شناسایی انسان کامل بر مفهومی ویژه و برداشتی خاص از انسان تکیه دارد؛ در واقع تلقی وی را از انسان نشان می‌دهد. ولی از آنجایی که انسان کامل دارای ابعاد گوناگونی است، لذا مفاهیم متعددی بر او حمل می‌شود که هر مفهوم بیانگر بعدی از ابعاد اوست. از همین رو در تمام فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و فلسفی و آیین‌ها و مذاهب و ادیان الهی ردپایی از انسان کامل را مشاهده می‌کنیم.

اما هدف ما این است که در مکتب فلسفی - عرفانی صدرالفلاسفه و شیخ‌العرفا مرحوم صدرالمتألهین شیرازی به تحلیل انسان کامل و مطلوب از دیدگاه ایشان بپردازیم. ملاصدرا در تبیین عرفانی خود از سیمای انسان کامل به تأسی از محی‌الدین عربی، انسان کامل را نسخه الهی و دارای جامعیت کبرا و عالم صغیر می‌داند، همچنان که عالم، انسان کبیر

^۱ قرآن کریم، آیه ۱۰۵ سوره‌ی انبیاء - سوره‌ی قصص، آیه ۵

است. او معتقد است انسان حقیقت واحد ذو مراتبی است که در ذات و گوهر خود دائماً در تحول و سیلان است و به واسطه این حرکت در جانب علم می‌تواند از مرتبه طبیعت به مجرد مثالی و سپس به مجرد عقلی و در نهایت به مقام فوق مجرد یعنی مقام الهی که هیچ حد و محدودیت و ماهیتی ندارد نائل آیند. همان‌طور که در جانب عمل نیز پس از تخلیه و تجلیه و تحلیه و طی اسفار اربعه الی الله به مقام «انسان کامل» و خلیفه خداوند بر روی زمین نائل می‌گردد (امینی، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۵).

به عقیده ملاصدرا صدرا خلافت این چنین انسانی خود دو گونه است، چرا که او از طرفی همه‌ی حقایق عالم اعلی و سفلی را در خود جمع دارد. از این جهت او شایسته خلافت کبری در عالم کبیر است و هم از این‌روست که خداوند ملائکه را فرمود تا آدمیان را سجده کنند، از طرفی دیگر او که این چنین مسجود ملائکه می‌گردد به طریق اولی مسجود عالم طبیعت هم هست، پس برای او خلافت صغری می‌هم در عالم طبیعت وجود دارد (فزونی، ۱۳۷۶: ۵۶۶). امامت و ولایت: امامت در لغت به معنای پیش روی، پیش‌نمازی، ریاست عامه، دوستی - یاری دادن - به‌دست گرفتن کاری - فرماندهی کردن و ... است و در اصطلاح منصب الهی و خدادادی است که دربرگیرنده همه فضیلت‌ها و کمالات انسانی است. طبق این تعریف امام معصوم علیهم‌السلام از سوی خداوند و به وسیله پیامبر (ص) تعیین و نصب می‌شوند، و دارای همان فضایل و امتیازات و اختیارات پیامبر (ص) به‌جز مقام نبوت هستند؛ بنابراین در تعریف امامت می‌گوییم: ریاست عامه امت مسلمان در امر دینی و دنیوی، و به‌گونه‌ای است که به جانشینی پیامبر (ص) و برای حفظ و تداوم شریعت الهی است.

یکی از مؤلفه‌های امامت، واجب‌الاطاعه بودن است. واژه «ولایت و سرپرستی» در تعریف امامت، معنای وجوب اطاعت را به‌دنبال دارد، تصریح به این قید در تعریف امامت، تأکید بر این است که امام صرفاً فقط راهنما نیست، بلکه والی و پیشوا نیز هست. درواقع هر امامی واجب‌الاطاعه است و این وجوب منحصرأ مفهوم حقوقی ندارد، بلکه مفهوم دینی دارد، بدین معناست که «عدم اطاعت از امام گناه می‌باشد».

تعریف ولایت: ولایت در لغت یعنی فرمانروایی - پادشاهی - دوستداری - قرابت و خویشی - به عقیده ملاصدرا، نبوت از لحاظ ماهیتش از طریق ولایت ادامه خواهد یافت، به نظر وی ائمه معصومین (ع) هم از مصادیق ولی شناخته می‌شوند. ملاصدرا در کتاب مفاتیح الغیب در بحثی مستقل پیرامون ولایت، نخست به معنای لغوی ولایت می‌پردازد. به نظر وی این کلمه از «ولی» مشتق شده و آن به معنای «قرب» است و به همین سبب، حبیب را به جهت نزدیکی به محبوب «ولی» خوانند. اما او در بیان معنای اصطلاحی «ولایت» اظهار می‌دارد که ولایت بر دو قسمت «عام» و «خاص» منقسم می‌گردد، ولایت عام از ایمان به خدا و انجام اعمال صالح حاصل می‌آید و ولایت خاص، فنای شخص از جهت ذات، صفت و فعلا در خداوند است. ولایت خاص هم بر دو قسم است، «ولایت خاص عطایی» و «ولایت خاص کسبی» ولایت خاص عطایی آن است که شخص قبل از هرگونه کوشش و مجاهده‌ای با نیروی جذبه الهی به نزد حق جذب شود، به چنین شخصی که جذبه‌اش بر مجاهده‌اش پیشی گرفته باشد، «محبوب» گفته می‌شود.

ولایت خاص کسبی آن است که شخص بعد از مجاهده و کوشش به واسطه جذبۀ الهی به قرب حق نائل می‌آید. این شخص را که مجاهده بر جذبۀ اش سبقت دارد، «محب» خوانند. صدرالمتألهین می‌افزاید که در این ولایت، اگرچه آن را کسبی خوانند، و در نتیجه مجاهده و عبادات و ریاضیات خود شخص است. اما این گرایش به مجاهده و به جای آوردن عبادات نیز، حاصل جذبۀ باطنی و درونی خداوند است که فرد را از درون دعوت به تقرب الی الله می‌کند و اگر این جذبۀ باطنی نباشد، فرد هرگز از خواسته‌های نفسانی خود دست نمی‌کشد (ملاصدرا، ۱۳۹۴: ۲۳۹-۲۳۷).

ملاصدرا، بر آن است که در مقام مقایسه ولایت خاص عطایی و کسبی، محبوبان یعنی کسانی که واجد ولایت خاص عطایی هستند، از محبان که همان صاحبان ولایت خاص کسبی هستند، دارای کمال بیشتری می‌باشند. وی بر این عقیده است که اصل ولایت، که موجب تمایز ولی از غیر ولی است، علم شهودی برهانی به خداوند، صفات، آیات، ملائکه، کتب و رسل او و روز آخرت است، و این علم هرگز قابل محو و زوال و فراموشی نخواهد بود.

وی هم‌چنین معتقد است که اگرچه ظهور کرامات و خوارق عادات به دست ولی جایز است، اما ظهور این امور از شرایط ولایت محسوب نمی‌شود تا با وجود آن در هرکسی، آن شخص ولی باشد و با عدمش، ولایت شخص انکار گردد، چه به عقیده او، گاهی خواری عادات از غیر اولیا نیز صادر می‌شود (مفاتیح الغیب، ۱۳۶۳: ۳۳۹).

۵۱ واسطه فیض الهی

باید در میان خلق همواره انسان کاملی موجود باشد که تمام کمالات انسانی ممکن در او به فعلیت رسیده باشد و با عالم ربوبی ارتباط داشته باشد تا واسطه بین عالم غیب و نوع انسان محفوظ بماند. اگر چنین برگزیده‌ای در میان بشر نباشد، حرکت تکاملی افراد بی‌غایت و بدون هدف خواهد بود. بر اساس آیات قرآن کریم (آیات ۳۰ و ۲۱۳ سوره بقره) پروردگار در نظام خلقت و نیز قانون‌گذاری، ائمه و حجت‌های خودش را خلیفه روی زمین قرار داده و آنان را مجرای بهره‌وری‌ها و فیض عام و خاص برای مردم ساخته و تمام اسمای الهی را به ایشان آموخته است «و علم آدم الاسما کلها» (قرآن، سوره بقره، آیه ۳۱) تا اینکه به اذن او، همچون خودش در همه چیز تصرف و دخالت کنند و جانشین او وعهده در امور زمین و مردم باشند و همچنین است که اگر حجت و خلیفه خدا در زمین نباشد، خاک هستی مردم را در خود فرو خواهد کشید. خداوند متعال، با اسما و صفات عالی‌اش همه چیز و همه پدیده‌ها را آفرید و خود عهده‌دار تمام امور آن‌هاست.

اما بنای ذات مقدسش بر این است که امور خلقت مادی از طریق اسباب مادی - و بدون دخالت مستقیم، بلکه با واسطه اداره کند. از جمله اسباب برای اصلاح امور ظاهری و باطنی مردم، پیامبران و جانشینان آنان به خصوص امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند ناپسند و ناخوش می‌دارد که امور عالم را بدون اسباب و وسایط اداره کند، از این‌رو برای هر چیز سببی قرار داده است و برای هر سبب گستره و میدان قدرت نفوذی قرار داده و برای هر نشانه‌ای راه ورودی گویا و خواننده به حق مقرر فرموده است.

هر که او را بشناسد - و به رسمیت بپذیرد، خدا را شناخته است و هر که او را انکار کند. خدا را انکار کرده است. آن بارگاه و راه ورود رسول‌الله و ما هستیم (لطیفی، ۱۳۹۴: ۴). ملاصدرا «انسان معصوم» را علت پیدایش خلقت و عامل تداوم آن می‌داند و می‌گوید: جهان به سبب وجود خاتم‌الاولیا علیه‌السلام است که برپا است و روی عدالت جهانی را خواهد دید. اثبات امامت حضرت مهدی (عج): امامت در لغت به معنای پیشوایی، پیش‌نمازی، مقتدایی و... آمده و در اصطلاح یعنی ریاست عامه در امور دین و دنیای مردم، به نیابت از پیغمبر اکرم (ص).

امامت حضرت مهدی (عج) به چند راه ثابت می‌شود یکی از راه نص و معجزه و دیگری به دلایل عقلی و نقلی؛ اما نص: شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین به سندی صحیح به نقل از یونس ابن عبدالرحمن آورده است که گفت: به محضر امام موسی‌بن‌جعفر (ع) مشرف شدم و عرضه داشتم: یابن رسول‌الله آیا تو قائم بالحق هستی؟ فرمودند: من هم قائم بالحق هستم و لکن آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می‌کند و آن را پر از عدالت می‌نماید، همچنان‌که از ظلم و جور و ستم پرشده باشد، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد، زیرا بر جان خود می‌ترسد. در این مدت عده‌ای از حق برگشته و عده‌ای دیگر ثابت‌قدم می‌مانند. سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت مانده و از دشمنان ما بیزار باشند. آنان از ما و ما از آن‌ها ایم (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۳۶۱/۲). نمونه‌های دیگری از نص را می‌توان در جلد دوم کتاب کمال‌الدین، صفحات ۳۷۶ و ۳۸۱ و ۴۰۹ ملاحظه کرد.

اما معجزه: معجزات و کرامات حضرت، دلیلی بر اثبات امامت اوست. از علی‌بن‌محمد سمری نقل شده که به محضر مقدس حضرت مهدی (عج) نامه نوشت و درخواست کفن کرد. جواب آمد که در سال هشتاد یا هشتاد و یکم به آن نیازمند خواهی شد. پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود وفات یافت و یک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۵۰۱/۲). و از جمله معجزات آشکار حضرت، حاجت گرفتن مردم از آن حضرت است که هر از گاهی زبان به زبان می‌چرخد و مشتاقان را امیدوارتر و مشتاق‌تر می‌کند. شفا یافتن بیماران لاعلاج در مسجد جمکران از آن جمله است. در کتاب‌های کمال‌الدین شیخ صدوق، و بحارالانوار علامه مجلسی و نجم الثاقب میرزا حسین نوری از معجزات حضرت بسیار آمده است.

۲ گ دلایل عقلی و نقلی اثبات مهدویت

دلایل عقلی عبارت‌اند از: برهان لطف - برهان عنایت - برهان فطرت - برهان واسطه فیض الهی - برهان علت غایی - برهان امکان اشرف - برهان تجلی اعظم - برهان اتمام حجت و ... برهان‌های عقلی ذکر شده هرکدام توضیح و تفصیل خود را دارد که ما در بحث مبانی مهدویت چند مورد آن‌ها را شرح دادیم که به‌نوعی دلایل عقلی محسوب می‌شوند و ما در اینجا فقط به توضیح برهان لطف و برهان امکان اشرف از موارد دلایل عقلی و چند مورد از موارد دلایل نقلی که شامل آیات قرآن و احادیث و روایات هستند می‌پردازیم.

برهان لطف: یکی از براهین عقلی که متکلمان زیاد به آن استدلال می‌کنند «قاعده لطف است»: علامه حلی برای اثبات امامت به این قاعده تمسک جست، می‌گوید: «امامت، ریاست عامه الهی در امور دین و دنیا است، برای شخصی از اشخاص به‌عنوان نیابت از پیامبر (ص) و این واجب عقلی است، زیرا امامت لطف است. پس ما علم قطعی داریم که اگر برای مردم شخصی باشد که ریاست آن‌ها را برعهده گیرد و آن‌ها را راهنمایی کند و دیگران از او اطاعت کنند و او حق مظلوم را از ظالم بستاند و ظالم را از ظلم منع کند، مردم به صلاح نزدیک‌تر و از فساد دورتر می‌شوند (شرح باب حادی عشر، بی تا: ۸۳).

قاعده امکان اشرف: ملاصدرا از طریق کاملاً فلسفی که همان اثبات وجود حجت الهی از طریق قاعده امکان اشرف است. به اثبات امامت می‌پردازد. بر طبق این قاعده، لازم است که در تمام مراحل وجود، ممکن اشرف بر ممکن اخس مقدم باشد؛ بنابراین هرگاه ممکن اخسی وجود داشته باشد، باید قبل از آن، ممکن اشرف موجود شده باشد. واسطه افاضه وجود و ریزش فیض سلسه‌وار از اشرف به اخس است، زیرا سلسله وجود در قوس نزول همواره از اشرف به اخس است و این تقدم و سببیت، امری ذاتی و طبیعی است. ملاصدرا در شرح اصول کافی،

ذیل حدیث: «لو لم یبق فی الارض الا اثنان، لکان احدهما الحجه» می‌گوید: نوع نبی و امام، نوع اشرف و عالی از سایر انواع فلکیه و عنصریه است و نسبت حجت به سایر بشر در مرتبه وجود همانند نسبت انسان به حیوان و نسبت حیوان به نبات و نبات به جماد است؛ بنابراین انسان علت وجود و غایت حقیقی خلقت سایر

موجودات زمینی است که اگر زمین از وجود انسان خالی باشد، همه موجودات، اعم از جماد، نبات و حیوان، نابود می‌شوند. همین‌طور اگر زمین از وجود حجت الهی خالی باشد، همه آدمیان نیست و نابود می‌شوند. درواقع آبادانی و بقا انواع مخلوقات مستلزم وجود حجت خدا است. ملاصدرا بر این باور است که حجت خداوند بر خلق همواره یا رسول و نبی است و یا امام و ولی، نبوت قطع شدنی است، اما باطن آن که همان امامت است تا روز قیامت ماندگار می‌باشد.

ملاصدرا در شرح اصول کافی، ذیل حدیث: «لو لم یبق فی الارض الا اثنان، لکان احدهما الحجه» می‌گوید: نوع نبی و امام، نوع اشرف و عالی از سایر انواع فلکیه و عنصریه است. نسبت حجت به سایر بشر در مرتبه وجود همانند نسبت انسان به حیوان و نسبت حیوان به نبات و نبات به جماد است؛ بنابراین انسان علت وجود و غایت حقیقی خلقت سایر موجودات زمینی است، که اگر زمین از وجود انسان خالی باشد، همه موجودات، اعم از جماد، نبات و حیوان، نابود می‌شوند. همین‌طور اگر زمین از وجود حجت الهی خالی باشد، همه آدمیان نیست و نابود می‌شوند. درواقع آبادانی و بقا انواع مخلوقات مستلزم وجود حجت خدا است. ملاصدرا بر این باور است که حجت خداوند بر خلق همواره یا رسول و نبی است و یا امام و ولی. نبوت قطع شدنی است، اما باطن آن که همان امامت است تا روز قیامت ماندگار است.

برهان اتمام حجت: اگر رهبری امام معصوم علیه‌السلام در هر دورانی و در میان مردم هر نسلی از نسل‌های بشر نباشد، چه بسا مردم گمراه گشته، گمراهی و فساد خود را معلول نبود این رهبر بدانند. از این‌رو برای همیشه، خداوند باید امام یا امامانی معصوم در جامعه معین کرده باشد تا حجت را بر مردم تمام کنند و بهانه‌ای برای منحرفان باقی نماند،

از این رو خداوند در سوره انعام آیه ۱۴۹ می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» بگو ای پیغمبر برای خدا حجت رسا است؛ و در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است: «ان الحجج لا تقوم لله عزوجل علی خلقه الا بالامام حتی یعرفونه» یعنی «حجت خدا بر خلقش تمام نشود، مگر به وجود امامی زنده که مردم او را بشناسند».

دلایل نقلی اثبات مهدویت شامل: آیات قرآن کریم و احادیث و روایات ماثور از پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام که در اینجا به بعضی از آیات قرآن کریم و همچنین بعضی از احادیث و روایات استناد می‌شود. آیات قرآن کریم، در قرآن آیات زیادی دلالت بر منجی عالم بشریت، مهدی موعود وجود دارد که بعضی بیش از یک صد و بیست آیه و طبق بعضی اقوال تا یک‌صد و چهل آیه در خصوص امام مهدی و حکومت واحد عدل جهانی آورده، که ما اینجا فقط چند آیه را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. یکی آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی انبیا که ترجمه آیه این است: «ما بعد از آنکه در تورات نوشته بودیم، در زبور هم نوشتیم که بندگان شایسته‌ی ما، وارث زمین می‌شوند».

دوم: سوره قصص، آیه پنج، که ترجمه آیه این است. «ما اراده کردیم که بر ضعف‌های زمین منت نهاده و آنان را پیشوا و وارث زمینشان گردانیم». آیه دیگر، آیه ۱۴۹ سوره انعام، «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» بگو ای پیامبر برای خدا حجت رسا است. صدرالمتألهین در تفسیر آیه ۲۷ سوره الحديد به این مطلب پیرامون امام دوازدهم اشاره می‌کند که سنت الهی همواره از آغاز از طریق آدم، نوح، و آل ابراهیم (ع) تا زمان نبی اکرم (ص) جاری بوده و پس از ختم نبوت، از طریق ولایت که همان باطن نبوت است تا روز قیامت جاری خواهد بود وی اظهار می‌کند که به همین جهت عالم هرگز از حامل این سنت یعنی ولی، خالی نخواهد ماند. به عقیده وی، ولی خدا، صاحب علم الهی، واجد ریاست مطلق در امر دین و دنیا است، خواه این ولی از جانب مردم مورد اطاعت قرار گیرد یا نگیرد و خواه ظاهر و آشکار باشد یا نباشد، در هر صورت و در هر زمانی، حجتی حامل سنت الهی، از جانب خداوند وجود دارد. وی سپس بیان می‌کند که همان‌طور که نبوت با نبی اکرم (ص) خاتمه یافت، دوره ولایت هم با مهدی (عج) آخرین فرد از اولاد نبی اکرم (ص) که همانام رسول اکرم است و با ظهورش زمین را از عدل و قسط پر می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است، خاتمه خواهد یافت (صدرالمتألهین، ۱۳۸۰: ۵۵/۶).

وی همچنین در شرح اصول الکافی، ذیل شرح حدیث بیست و یکم از کتاب العقل والجهل، مطلبی را پیرامون امام دوازدهم می‌آورد. آنجا که امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود» (کلینی رازی، ۱۳۴۸: ۱۰). وی ذکر می‌کند که قائم همان مهدی صاحب‌الزمان (عج) است که امروز زنده، اما از دیده نهان است. وجود او به نحوی است که ضعیف و بیمار و پیر نمی‌شود؛ اما از این وجود، نباید چنین پنداشت که روح وی از بدنش جداست، بلکه او می‌خورد، می‌آشامد، سخن می‌گوید، حرکت می‌کند، می‌ایستد، راه می‌رود، می‌نشیند و می‌نویسد. صدرالمتألهین کیفیت حیات وزندگانی امام مهدی (عج) را مثل زندگی حضرت عیسی بن مریم (ع) می‌داند و بر آن است که منکران وجود او، به سبب قصور علم، ضعف ایمان و کمبود آگاهی‌شان از کیفیت این غیبت است که وجود او را انکار یا در آن تردید می‌ورزند. وی بر

آن است که از اخبار و روایات متعدد و صحیح برمی‌آید که ظهور وی قطعاً اتفاق خواهد افتاد، حتی اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۳۴).

ملاصدرا در زمینه اثبات امامت در جای‌جای کتب عمیق و دقیق خود، درخششی منحصر به فرد دارد. او در شرح اصول کافی، کتاب حجت، فصلی را به نام «ان الحجه لا تقوم لله علی خلقه الا بامام» گشوده است، امام را حجت خداوند بر خلق معرفی می‌کند و می‌گوید چنین است «حجت خدا بر خلقش برپا نگردد جز به وجود امام، تا شناخته شود» (کلینی رازی، ۱۳۴۸: ۲۵/۱).

متن این حدیث را داوود الرقی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند. ملاصدرا در شرح این حدیث بیان می‌کند که حجت بر دو قسم است، یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی است. حجت باطنی به عقیده او همان نور قدسی و برهان عرشی است که بر قلب برخی از افراد خاص تجلی پیدا می‌کند و توسط آن، آن شخص کامل به احوال مبدا و معاد و طریق قرب الی الله و دوری از عذاب روز قیامت آگاه می‌گردد. اما حجت ظاهری، همان انبیا و ائمه هستند. به عقیده ملاصدرا، آدمیان جز عده بسیار، شاذ و قلیلی از آن‌ها به حجت باطنی نائل نمی‌گردند و محتاج حجت ظاهری‌اند که توسط اطاعت و فرمان‌برداری از انبیا و ائمه به شناخت حق تعالی، راه وصول به او و نجات از عذاب اخروی نائل می‌گردند. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۷: ۳۳). چنان‌که ملاحظه می‌شود ملاصدرا در اینجا، بر فایده تشریحی وجود امام (ع) تأکید می‌کند و بر اساس همین فایده وجودی است که استدلال‌های اول، دوم، پنجم تا نهم خود را بر وجوب وجود امام اقامه می‌کند.

ملاصدرا، فایده تکوینی امام را در شرح خود بر حدیث چهارم از باب «ان الحجه لا تقوم لله علی خلقه الا بامام» بیام می‌کند، متن این حدیث از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند، چنین است: «حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق می‌باشد و بعد از خلق هم باشد» (کلینی رازی، ۱۳۴۸: ۱/۲۵۱-۲۵۰).

صدرالمتألهین در شرح این حدیث از قول عوام الناس که گمان می‌کنند، انبیا و ائمه فقط برای هدایت خلق خدا، آفریده شده‌اند، انتقاد کرده و این قول را تمام نمی‌داند و بر آن است که غرض از آفرینش انبیا و اولیا چیزی است فراتر از اصلاح خلق و آن واسطه در ایجاد خلق بودن و خلقت آن‌هاست. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۷: ۴۶۴-۴۶۳).

در شرح اصول کافی، کتاب حجت، در روایت چهارم همین فصل آمده است که: قال ابو عبدالله علیه السلام: الحجه قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق ...، یعنی ائمه علیهم السلام از طرف خدا، قبل از خلق خلاق، حجت بوده‌اند و همراه با آنان نیز حجت‌اند و پس از انقراض عالم نیز حجت هستند. ایشان، در توضیح این روایت پر بار و سنگین می‌فرماید: خدای متعال، نظام هستی را برای پیدایش نفوس کامل و ذوات عالی و انوار شامخ آفرید و اراده‌ی اولیه از پیدایش جملگی نظام صنع، آن است که در خط استکمال و تمامیت وجودی آن بزرگواران قرار گیرند و البته از آثار وجودی آن نیز هدایت بشری و راهنمایی نسل آدمی، بلکه ثقلین است و این خود، نکته ایست که از دقیق‌ترین مسائل کلام و فلسفه الهی شمرده می‌شود.

بر این اساس، ذات آن بزرگواران، قبل از خلق و همراه خلق و بعد از خلق، همواره غرض از خلقت عالمیان و حجت و دلیل بر اصل ایجاد بوده‌اند. به دیگر بیان، آن بزرگواران، علت نهایی نظام صنع هستند که بدون آنان، خدای متعال، دست به ایجاد هستی نمی‌زد. به همین دلیل است که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «بکم فتح‌الله وبکم یختم». همچنین مرحوم صدرالمتألهین، در باب حجت، شرح اصول کافی، فصل دیگری را منعقد فرموده به نام «باب ان الارض لا تخلو من حجه» در حدیث یکم این باب، ابن ابی عمیر، از حسین بن ابی‌علا نقل می‌کند که از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: «تكون الارض لیس فیها الامام؟ قال، لا»: «آیا امکان دارد که زمین، خالی از امام باشد؟ در جواب فرمودند: ممکن نیست».

۲. دیدگاه خاص ملاصدرا نسبت به جایگاه مهدویت

جایگاه مهدویت به‌عنوان وجود برتر حجت الهی و ابداع واسطه‌گری در فیض الهی و بقای عالم به دلیل وجود حجت خدا در روی زمین، مقتضای عنایت ربانیه است که نیاز مردم به وجود امام را از نیاز منافع ضروری‌شان بیشتر می‌داند. با این دیدگاه ملاصدرا معتقد است که محال است زمین از وجود امام خالی باشد. از نظر وی امام واسطه فیض الهی، علت غایی و حتی علت فاعلی جهان است. مهدویت دارنده مقام انسان کامل در جایگاه مقام امامت است و این منصب در مقام ثبوت، کمال اول و ذاتی است؛ اما نصب وی در مقام اثبات، کمال ثانوی و عرضی است؛ یعنی در تحقق خارجی و سروری ظاهری، مقبولیت مردم و اقبال عمومی تعیین کننده است؛ اما متأسفانه از تاریخ اسلام و مسلمانان دیده می‌شود به‌واسطه شیطنت دنیاپرستان، و ریاست‌طلبان و هوا و هوس‌بازان، و خلفای ظلم و جور.

به‌جز قریب به پنج سال برای امیرالمؤمنین (ع) در تشکیل حکومت اسلامی در تحقق خارجی و سروری ظاهری و مقبولیت مردم و اقبال عمومی، برای بقیه ائمه جهت تشکیل حکومت اسلامی مقبولیت عمومی تحقق خارجی پیدا نکرد؛ اما برطبق سنت و وعده الهی برای مهدی موعود (ع) در برپایی حکومت جهانی و عدل الهی تحقق خارجی و سروری ظاهری ایجاد و مقبولیت مردم و اقبال عمومی حاصل خواهد شد، و حق مظلومین عالم از ظالمین گرفته خواهد و ظالمین به سزای اعمال خود خواهند رسید ان‌شاءالله.

۳. اندیشه‌های مذهبی در فلزکاری دوره صفوی

دوران صفوی نقطه عطفی در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود و از آن می‌توان به‌عنوان شروع مرحله جدیدی در تاریخ ایران دوران اسلامی یاد کرد. در این زمان دو عنصر مهم و برجسته یعنی «مذهب تشیع» و «هویت ملی» در ایران تجلی یافت. تا پیش از صفوی و به جز در برهه‌ای کوتاه یعنی در دوره آل‌بویه و فراهم آمدن زمینه‌هایی در دوران ایلخانان مذهب رسمی در ایران، مذهب تسنن بود و با روی کار آمدن حکومت صفوی مذهب و ایدئولوژی حاکم بر ایران تغییر کرد. در کنار این دگرگونی مذهبی، هویت از یاد رفته ایرانیان نیز پس از حدود نه قرن، از سقوط ساسانیان تا روی کار آمدن صفویان، دیگر بار و با رنگ و بوی اسلامی زنده شد. در این زمان، هنرمندان سنتی جامعه صفوی

به خصوص هنرمندان فلزکار، نیز نشانه‌ها و نمادهای مذهب تشیع و هویت ملی و ایرانی (رواج شعر و ادبیات فارسی به‌عنوان نمودی از هویت ملی) را در آثار و دست‌ساخته‌های خود نمایان کردند (فروغ و نوروزی‌طلب، ۱۳۸۹: ۷۳).

از آنجایی که هنر ایرانی بر مبنای تزیینات استوار شده است، کتیبه‌نویسی بر روی اشیای فلزی، یکی از ارکان اصلی تزیینات به‌شمار می‌رود. تزیینات کتیبه‌نگاری فلزکاری در دوره صفوی و پس از آن در زمان قاجار، خلق تفاهمی است میان هنر و مذهب که می‌توان آن را در نبوغ هنری و معنوی ایرانیان جست‌وجو و در آثار بر جای مانده از ادوار تاریخی مشاهده کرد. در میان مضامین مذهبی به‌کار رفته در کتیبه‌های آثار فلزی این دو دوره، ذکر نام علی (ع) به‌تنهایی و یا در کنار الله و محمد (ص)، دعا در مدح دوازده امام و قسمت‌هایی از دعای پرفیض نادعلی به‌منظور مددجویی از ایشان، از جمله مضامینی است که نه تنها گویای ارادت به این امام همام است بلکه مستقیماً گرایش به مذهب تشیع را نزد ایرانیان آشکار می‌سازد (شریعت، ۱۳۸۶: ۷۷). همان‌گونه که در تصویر شماره ۱ مشهود از مضامین مذهبی با محوریت شیعی‌گری یکی از عناصر مهم در تزئینات کتیبه‌ای در فلزکاری دوره صفوی است.



تصویر ۱: بازویند فولادی با تکنیک مشبک‌کاری همراه با تزئینات کتیبه‌ای. مربوط به دوره صفویه. (مأخذ: آلن)

در این اثر فلزی، تکرار نام علی (ع) و پذیرش ولایت وی حاکی از ارتباط این مضمون با عقاید شیعه درباره امامت و ولایت است. جلوه‌های دیگری از این عقاید مذهبی را می‌توان در تصویر شماره ۲ نیز مشاهده کرد.



تصویر ۲: علم جنگی از جنس فولاد. مشبک‌کاری شده، دوره صفویه. محل نگهداری موزه چهلستون اصفهان.



تصویر ۳- کاسه برنجی به کتیبه مذهبی به خط نسخ. مربوط به دوره صفویه. محل نگهداری موزه چهلستون اصفهان.

نتیجه‌گیری

تفکر مهدویت در شیعه و در بین فلاسفه اسلامی خصوصاً صدرالمتهین شیرازی به استناد مبانی مهدویت و به استناد دلایل عقلی و نقلی، رهیافت خاصی نسبت به تأسیس نظام عدل الهی و جهانی ارائه کرده، گرچه این تفکر به اشکال گوناگون در اکثر ادیان و مذاهب دینی و حتی غیردینی وجود دارد؛ اما منحصر به شیعه دوازده امامی است. این نظام الهی و سیاسی صبغه آرمانی دارد، و آثار گسترده‌ای در تاریخ تمدن اسلام برجای گذاشته است. نظریه امامت و رهبری و حجت الهی در تفکر شیعه براساس نص از پروردگار و بیان سریع از زبان مبارک پیامبر (ص) جاری شده و هویت امامان معصوم علیهم‌السلام را معرفی کرده است. ملاصدرا در آثار فلسفی و عرفانی خود براساس استدلال‌های عقلی و نقلی در مهم‌ترین آثار فلسفی‌اش همچون اسفار اربعه - شرح بر اصول کافی - مفاتیح الغیب - اسرارالایات - تفسیر قرآن کریم - مبدأ و معاد، به بررسی ابعاد گوناگون مسئله امامت و مهدویت پرداخته است، و با استناد به قواعد برهان لطف، قاعده امکان اشرف، واسطه فیض الهی و دیگر براهین عقلی و همچنین دلایل نقلی شامل آیات قرآن کریم و احادیث و روایات پیامبر اسلام (ص) و سایر ائمه به اثبات امامت و مهدویت پرداخته است؛ و وجود برتر را بیان کرده و با ابداع واسطه‌گری در فیض الهی و بقای عالم، به اثبات وجود حجت الهی می‌پردازد.

ملاصدرا امامت و ولایت را مقتضای عنایت ربانیه می‌داند و نیاز مردم به امام را از نیاز به منافع ضروری‌شان بیشتر می‌داند و قائل به وجوب عقلی و نقلی نصب امام بر خداوند است و با اثبات وجوب عقلی امام بر خداوند، تعیین وی با نص و ولایت تشریحی و تکوینی امام، معتقد است که محال است زمین از وجود امام خالی باشد. از نظر وی امام واسطه فیض الهی، علت غایی و حتی علت فاعلی جهان است. دارنده مقام انسان کامل و سیروسلوک معنوی در چهار سفر عقلی، معنوی اسفار اربعه، با سیر و سلوک در جایگاه مقام ولایت شکل گرفته است. ملاصدرا معتقد است، منصب امام در مقام ثبوت، کمال اول و ذاتی است؛ اما نصب وی در مقام اثبات، کمال ثانوی و عرضی است؛ یعنی در تحقق خارجی و سروری ظاهری، مقبولیت مردم و اقبال عمومی تعیین کننده است. امام و ولی خدا در مقام ثبوت از آنجاکه وضع قانون از جانب خداست و قانونی که منتسب به خداوند است قانونی؛ و قانونی که منتسب به خداوند نباشد دارای ارزش نیست. پس نصب امام به‌عنوان شرط ثبوت از جانب خداوند است. در حقیقت، مقام امامت در حکمت متعالیه و دیگر آثار ملاصدرا، مقامی است که دارای اصالت قطعی باشد، به‌گونه‌ای که هر آنچه جز اوست فرع بر وجود او، و به سبب وجود اوست. دارنده این مقام حد اعلا وجود و کمالات و آثار است، از جمله کمال عقل و نفس ناطقه را دارد. وجودی است که هیچ‌گاه زمین خالی از آن نبوده، کمال و ترقی نظام الهی مستلزم پیروی از رهنمودهای امام معصوم (ع) است. بودن وی در جایگاه مقام اثباتی خویش و معرفت و شناخت کامل مردم از شخص امام و مقام امامت است.

بررسی‌ها حاکی از این است که در فلزکاری دوره صفوی در مفاهیمی چون توحید، نبوت و امامت جلوه بارزی در تزئینات کتیبه‌های آن‌ها دارد.

منابع

کتاب‌ها

- امینی، ابراهیم. (۱۳۹۶). دادگستر جهان، تهران: شفق.
- پهلوان، منصور. (۱۳۹۵). شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه. ج ۲، قم: کتاب جمکران.
- لطیفی، رحیم. (۱۳۹۴). ادله عقلی و نقلی امامت و مهدویت. تهران: مؤسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۴). امام مهدی(ع) از ولادت تا ظهور، تهران: یاس بهشت.
- طباطبایی، سیدمحسن و دیگران. (۱۳۸۹). معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، تهران: مؤسسه بوستات کتاب.
- مفاتیح الغیب، مع تعلیقات للمولی علی النوری، صححه و قدم له، محمد خواجه‌جوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۸). اسرارالایات، تهران: مولی.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۸). اسفار اربعه عقلی، ج ۵، تهران: مولی.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۸). شرح اصول کافی، کتاب حجت، ترجمه و تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مقالات

- افروغ، محمد؛ نوروزی‌طلب، علیرضا. (۱۳۸۹). هویت اسلامی ایرانی در فلزکاری دوره صفویه، مطالعات ملی، دوره ۱۱، ش ۶، ۷۳-۱۰۰.
- شریعت، زهرا. (۱۳۸۶). حضور نمادین امام علی(ع) در خط‌نگاره‌های فلزکاری صفویه و قاجار، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۳، ش ۶، ۷۷-۹۹.